

بررسی رابطه توانایی مدیریت با حق الزحمه و اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت

حسن فرج‌زاده دهکردی*، ناهید حیدری**

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۱/۱۸

چکیده

این پژوهش به بررسی چگونگی ارتباط توانایی مدیریت با حق الزحمه و تعدیل اظهارنظر حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ می‌پردازد. به منظور سنجش توانایی مدیریت از نمره توانایی مدیریت منتج از مدل دومرحله‌ای تحلیل پوششی داده‌های ارائه‌شده توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. ضمن اینکه حق الزحمه و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری به عنوان شاخص‌هایی از ریسک حسابرسی در نظر گرفته شده‌اند. نمونه مورد مطالعه این پژوهش شامل ۹۴ شرکت و ۱۰۳۴ مشاهده سال‌شرکت است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که با افزایش میزان توانایی مدیران، حق الزحمه حسابرسی و احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی واحد تجاری کاهش می‌یابد. به صورت کلی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که توانایی مدیریت، عاملی تأثیرگذار بر تصمیمات حسابرسان است. این نتایج از آن رو اهمیت دارد که شواهد تجربی چندانی در خصوص رابطه بین خصوصیات مدیریت و تصمیمات حسابرسان وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: تداوم فعالیت، اظهارنظر حسابرسی، توانایی مدیریت، حق الزحمه حسابرسی، ریسک

حسابرسی.

طبقه بندی موضوعی: M42; L25

DOI: 10.22051/jera.2017.7911.1098

* استادیار گروه حسابداری موسسه آموزش عالی رجا قزوین، نویسنده مسئول، (ha.farajzadeh@yahoo.com).

** کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه تربیت مدرس، (acc.nheydari@gmail.com).

مقدمه

هدف از حسابرسی صورت‌های مالی واحدهای اقتصادی، اظهارنظر فنی و تخصصی درباره مطلوبیت صورت‌های مالی از تمام جنبه‌های بااهمیت است. این اظهارنظر یک قضاوت حرفه‌ای بوده لذا همواره با میزانی از ریسک مواجه است که به آن ریسک حسابرسی می‌گویند (حتیفه و محمودی، ۱۳۸۸). به علاوه، بر اساس فرضیه اعتباربخشی، حرفه حسابرسی ممکن است مدعی عدم مسئولیت در خصوص محتوای اطلاعات صورت‌های مالی باشد، اما سرمایه‌گذاران بر این باورند در صورتی که به دلیل استفاده از صورت‌های مالی گمراه‌کننده زبانی به آن‌ها برسد، حسابرسان مسئول بوده و باید در صدد جبران برآیند (سایمونیک، ۱۹۸۰). در این میان میزان حق الزحمه دریافتی و تعدیل گزارش حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت صاحب‌کار می‌تواند از جمله راهکارها در راستای پوشش ریسک عملیات حسابرسی به حساب آید (کریشان و وانگ، ۲۰۱۵).

از طرف دیگر، مدیریت شرکت با تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست‌های کلی، نقش مهمی را در کیفیت و اعتبار اطلاعات ارائه‌شده در گزارش‌های مالی ایفا کرده و در صورت عملکرد ضعیف مدیریت، ممکن است تداوم فعالیت شرکت با ابهام مواجه شده و این خود موجب تعدیل اظهارنظر حسابرسی گردد. به علاوه، انتظار می‌رود که مدیران با توانایی بالاتر، در انتخاب حسابرس و تعیین حق الزحمه خدمات حسابرسی، هوشمندانه‌تر عمل کرده و سبب کاهش حق الزحمه دریافتی حسابرس گردد.

علی‌رغم وجود تحقیقات گسترده پیرامون عوامل تعیین‌کننده حق الزحمه حسابرسی و تمایل حسابرسان به تعدیل اظهارنظر به دلیل ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری (سایمونیک، ۱۹۸۰؛ های و همکاران، ۲۰۰۶ و کارسون و همکاران، ۲۰۱۳)، بسیاری از این تحقیقات، بر عوامل تعیین‌کننده در سطح شرکت تمرکز کرده و در خصوص محتوای اطلاعاتی ویژگی‌های خاص مدیریتی شرکت شواهد تجربی اندکی برای حسابرسان وجود دارد. هدف این پژوهش، آزمون ارتباط بین توانایی‌های مدیریتی (توانایی مدیران در تبدیل منابع شرکت به درآمد) با حق الزحمه حسابرسی و احتمال انتشار گزارش حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت است.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

تأثیر مدیریت بر عملکرد شرکت، یکی از سؤالات مهم در تحقیقات اقتصادی، حسابداری، مالی و مدیریتی به حساب می‌آید (مانند برتلند و اسپوئر، ۲۰۰۳ و سیلوا، ۲۰۱۰). در مورد تأثیر مدیران ارشد (CEOs) بر نتایج سازمان، دو دیدگاه متضاد وجود دارد. هانان و فریمن (۱۹۷۷) بر این باورند که تأثیر مدیران ارشد قابل توجه نیست، چراکه سازمان‌های بزرگ اغلب تحت تأثیر نیروهای برون سازمانی قرار می‌گیرند. برای مثال، فرهنگ یک شرکت، ساختار صنعت و دارایی‌های ثابت آن، جزء عوامل تحمیلی هستند که توانایی مدیران در اتخاذ تصمیمات تأثیرگذار بر روی شرکت را کاهش می‌دهند (وا سرمن و همکاران، ۲۰۱۰). در مقابل، دیدگاه دیگری توسط هامبریک و مایسون (۱۹۸۴) ارائه شده که به «دیدگاه مدیریت عالی» مشهور است. بر طبق این دیدگاه، نتایج سازمانی، شامل انتخاب‌های استراتژیک و سطوح عملکردی، از طریق ویژگی‌های مدیریتی قابل پیش‌بینی هستند. هواداران این دیدگاه استدلال می‌کنند که اهداف و سیاست‌های کلی یک سازمان توسط مدیران ارشد تعیین می‌شود. در واقع، این مدیران هستند که در مورد اقدامات سازمان در مواجهه با تغییرات سریع محیطی و فناوری تصمیم‌گیری می‌کنند (مکی، ۲۰۰۸). در این راستا مطالعات تجربی بسیاری انجام گرفته است.

برای مثال، کارملی و تیشلر (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که توانایی مدیریت با عملکرد شرکت در ارتباط است. چمانور و پانگلیس (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که کیفیت و اعتبار مدیریت ارشد می‌تواند روی ارزش شرکت اثر تأییدکنندگی داشته باشد. بایک و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که احتمال و استمرار سودهای پیش‌بینی شده توسط مدیریت، با افزایش توانایی‌های مدیرعامل، افزایش می‌یابد. مطالعه دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که توانایی مدیریتی با واکنش قیمت سهام به خبر تغییر مدیرعامل و تغییرات عملکردی آینده شرکت که ناشی از دیدگاه مدیرعامل جدید است، ارتباط دارد. بررسی‌های آندرتو و همکاران (۲۰۱۶) نیز منعکس‌کننده وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین توانایی مدیریت و عملکرد شرکت است. به‌علاوه، نتایج پژوهش انجام گرفته توسط ممتازیان و کاظم‌نژاد (۱۳۹۵) مؤید وجود رابطه مستقیم و معنی‌دار میزان قابلیت مدیران و معیارهای عملکرد شرکت است. به این معنی که با افزایش قابلیت مدیران در استفاده بهتر از منابع و به تبع آن افزایش کارایی کل شرکت، عملکرد شرکت بهبود می‌یابد.

تحقیقات حسابداری همچنین نشان‌دهنده تأثیر توانمندی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی است. بامبر و همکاران (۲۰۱۰)، بیان می‌کنند که مدیران بر سیاست‌های افشای شرکت تأثیر مهمی دارند. ژی و همکاران (۲۰۱۱) معتقدند که مدیران ارشد مالی روی گزارشگری مالی از جمله ارقام تعهدی اختیاری، حسابداری خارج از ترازنامه و محافظه‌کاری حسابداری، تأثیر گذار هستند. به همین ترتیب، دایرنگ و همکاران (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که مدیران بر استراتژی‌های اجتناب مالیاتی، تأثیر مهمی دارند. به علاوه، دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) شواهدی را مبنی بر ارتباط توانایی‌های مدیریتی و کیفیت سود بالاتر مطرح می‌کنند. پیری و همکاران (۱۳۹۳) نشان داده‌اند که در دوران بلوغ، توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی، تأثیر مستقیم و معنی‌داری دارد. منصورفر و همکاران (۱۳۹۴) دریافتند که توانایی مدیریت بر کیفیت و پایداری سود تأثیر گذار است. نتایج پژوهش بزرگ‌اصل و صالح‌زاده (۱۳۹۴) نیز مؤید تأثیر گذاری توانایی‌های مدیریتی بر پایداری سود است. به این ترتیب، نظریه‌ها و پژوهش‌های تجربی حاکی از تأثیر توانایی مدیریت بر عملکرد شرکت و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها است.

از سوی دیگر، بر اساس استانداردهای حسابرسی، حسابرسان هنگام ارزیابی ریسک حسابرسی باید نسبت به نگرش و شیوه اجرایی مدیریت آگاهی داشته باشند. به‌منظور شناسایی و برآورد ریسک حسابرسی، ارزیابی مناسب وضعیت کلی شرکت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (کوزو، ۲۰۱۳). حسابرسان به‌منظور کاهش ریسک عدم کشف تحریف‌های بااهمیت، شواهد بیشتری جمع‌آوری می‌کنند که این موضوع سبب افزایش هزینه حسابرسی می‌گردد. درواقع با افزایش ریسک حسابرسی، حسابرسان حق‌الزحمه بیشتری نیز طلب می‌کنند (کریشنان و همکاران، ۲۰۱۲).

حسابرسان همچنین موظف هستند مناسب بودن ارزیابی مدیریت از توانایی واحد مورد رسیدگی به ادامه فعالیت و احتمال وجود ابهام بااهمیت یا اساسی درباره تداوم فعالیت صاحب‌کار که نیاز به افشا در صورت‌های مالی دارد را بررسی کنند. در صورتی که به نظر حسابرس، واحد مورد رسیدگی قادر به ادامه فعالیت نباشد، اما صورت‌های مالی بر مبنای تداوم فعالیت تهیه شده باشد، حسابرس باید با توجه به میزان اهمیت، نظر مشروط یا مردود ارائه کند. در صورت ابهام بااهمیت درباره تداوم فعالیت و افشای کافی در صورت‌های مالی، حسابرس

باید نظر مقبول ارائه کند، اما با افزودن یک بند توضیحی حاوی وجود ابهام بااهمیت درباره رویدادها یا شرایطی که ممکن است به تردیدی عمده در مورد توانایی واحد مورد رسیدگی به ادامه فعالیت منتج شود و با اشاره به یادداشت توضیحی صورت‌های مالی، گزارش خود را تعدیل کند (استاندارد حسابرسی، بخش ۵۷۰).

در این پژوهش، از دو متغیر حق‌الزحمه حسابرسی و اظهارنظر پیرامون تداوم فعالیت، به‌عنوان شاخص‌های ریسک حسابرسی استفاده می‌شود. این دو متغیر به یکدیگر مربوط بوده و از جمله تصمیمات کلیدی هستند که توسط حسابرسان اتخاذ می‌شود. درحالی‌که تصمیمات مربوط به تعیین حق‌الزحمه حسابرسی برای همه پروژه‌های حسابرسی وجود دارد، ارزیابی ریسک تداوم فعالیت عمدتاً در شرکت‌هایی که با خطر ورشکستگی مواجه هستند مورد توجه قرار می‌گیرد. تصمیم‌گیری در خصوص این دو عامل مستلزم توجه دقیق حسابرسان به عوامل مختلفی از جمله اطلاعاتی در مورد توانایی مدیریت است. به‌علاوه، ویژگی‌های مدیران ارشد، اغلب در پذیرش و برنامه‌ریزی حسابرسی نیز در نظر گرفته می‌شود (کیزیریان و همکاران، ۲۰۰۵؛ جانسون و همکاران، ۲۰۱۳؛ کریشان و وانگ، ۲۰۱۴ و گراکس و همکاران، ۲۰۱۵).

مطالعات تجربی قبلی نشان‌دهنده ارتباط بین ریسک تجاری شرکت و ریسک حسابرسی هستند (جانسون، ۲۰۰۰). سایمونیک (۱۹۸۰) نشان می‌دهد که حق‌الزحمه حسابرسی، منعکس‌کننده بهای منابع صرف شده در حسابرسی و زیان‌های بالقوه ناشی از دعاوی قضایی و یا آسیب رسیدن به اعتبار حرفه‌ای آن‌هاست. ارتباط مثبت بین حق‌الزحمه و ریسک حسابرسی، در پژوهش‌های قبلی به‌خوبی تبیین شده است (های و همکاران، ۲۰۰۶). تعدادی از مطالعات، به‌طور خاص، نقش ریسک تجاری مشتری بر میزان حق‌الزحمه حسابرسی را موردبررسی قرار داده‌اند (از جمله: پرت و استیس، ۱۹۹۴؛ سایمونیک و استین، ۱۹۹۶ و بل و همکاران، ۲۰۰۸). به‌طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهند که حق‌الزحمه حسابرسی، در صورت وجود ریسک تجاری مشتری، افزایش خواهد یافت. به‌علاوه، پژوهش‌های انجام‌گرفته منعکس‌کننده تأثیرگذاری ویژگی‌های واحد تجاری بر حق‌الزحمه دریافتی بابت خدمات حسابرسی است. برای مثال، نیکبخت و تنانی (۱۳۸۹) نشان می‌دهند که اندازه و پیچیدگی عملیات شرکت با حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط معنی‌داری دارد. از جمله موارد دیگر می‌توان به وجود ارتباط معنی‌دار بین جریان‌های نقد آزاد (موسوی و حضرتی، ۱۳۹۰ و علوی و همکاران، ۱۳۹۱)، هزینه نمایندگی

(جعفری و همکاران، ۱۳۹۱) و ساختار مالکیت (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۳) و حق الزحمه حسابرسی اشاره کرد.

از طرفی با افزایش ریسک تجاری و عملکرد ضعیف تر شرکت، احتمال تعدیل گزارش حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت افزایش می‌یابد. فرانسویس و کریشنان (۱۹۹۹) دریافتند که شرکت‌های با حجم ارقام تعهدی بالا، به خصوص ارقام تعهدی منفی، به احتمال بیشتری اظهار نظر مشروط به دلیل ابهام در تداوم فعالیت در یافت خواهند کرد. گیگر و همکاران (۲۰۰۵) معتقدند که صدور گزارش حسابرسی تعدیل شده به دلیل ابهام در تداوم فعالیت تحت تأثیر عواملی مانند اندازه شرکت، سودآوری، مدت زمان حسابرسی، نوع صنعت، نوع حسابرس و نوع گزارش حسابرسی در سال گذشته است. مطالعه بنی‌مهد (۱۳۹۰) منعکس کننده تأثیر گذاری عملکرد مدیریت بر نوع گزارش حسابرسی است. جامعی و همکاران (۱۳۹۱) نیز نشان دادند که عملکرد مدیریت، اظهار نظر حسابرس مستقل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نهایت، یافته‌های پژوهش مرادی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که بین مدیریت سود و اظهار نظر مشروط حسابرس به دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت، ارتباط مستقیمی وجود دارد. کریشنان و وانگ (۲۰۱۵) به بررسی ارتباط بین توانایی مدیریت و حق الزحمه و اظهار نظر حسابرس در خصوص ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که میزان توانایی مدیریت ارشد شرکت که برابر با نمره توانایی مدیریت منتج از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) است، در تصمیم‌گیری حسابرس دارای محتوای اطلاعاتی است. آن‌ها بر این باورند که پس از کنترل ویژگی‌های واحد تجاری، با افزایش توانایی مدیریت، حق الزحمه حسابرسی و احتمال تعدیل اظهار نظر حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری کاهش می‌یابد.

بنا بر آنچه گفته شد می‌توان چنین استنباط کرد که مدیریت با تأثیر گذاری مستقیم بر عملکرد شرکت، موجب تغییر ریسک عملیاتی شرکت شده و از این طریق بر ریسک حسابرسی تأثیر گذار است. به عبارت دیگر، انتظار می‌رود که به دلیل ارتباط بین توانایی مدیریت و عملکرد جاری و آتی شرکت، توانمند بودن مدیران موجب کاهش ریسک تداوم فعالیت گردد. به علاوه، توانمندی مدیران با تأثیر گذاری بر کیفیت اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی، می‌تواند ریسک عملیات حسابرسی را کاهش داده و در نهایت موجب تأثیر گذاری بر دو

متغیر مورد استفاده در این پژوهش برای سنجش ریسک حسابرسی، یعنی میزان حق الزحمه دریافتی و احتمال تعدیل اظهار نظر حسابرسی به دلیل وجود ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری، گردد؛ بنابراین، می‌توان انتظار داشت که بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی و صدور اظهار نظر حسابرسی با بند تداوم فعالیت ارتباط معکوس وجود داشته باشد. در نتیجه فرضیه‌های اصلی این پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول. بین توانایی‌های مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی رابطه غیرمستقیم و معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم. بین توانایی‌های مدیریتی و وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی، رابطه غیرمستقیم و معنی‌داری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی و از حیث هدف، کاربردی است که از تحلیل رگرسیون برای بررسی ارتباط بین متغیرهای وابسته و متغیر مستقل استفاده می‌کند. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین، متن صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه آن استخراج گردیده است. برای آزمون فرضیه نخست از روش حداقل مربعات و در آزمون فرضیه دوم از رگرسیون لجستیک استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: توانایی مدیریت

تعیین یک شاخص قابل اطمینان برای توانایی مدیریت، پیچیده است زیرا ارزیابی اعتبار مدیران، یک مسئله چندبعدی است. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) معیاری را برای توانایی مدیریت، بر مبنای کارایی مدیران در ایجاد درآمدها، ارائه کردند که به اندازه‌گیری توانایی مدیریت با استفاده از اطلاعات حسابداری می‌پردازد. این پژوهش به منظور سنجش میزان توانایی مدیران، با انجام برخی تعدیلات، از این رویکرد استفاده کرده است. در این پژوهش مطابق با دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) از یک فرآیند دو مرحله‌ای بهینه‌سازی خطی برای تخمین توانایی مدیریت استفاده شده است. به این منظور، در گام نخست با استفاده از اجرای یک مدل

تحلیل پوششی داده‌ها، کارایی کل شرکت اندازه‌گیری می‌شود. به این ترتیب، درآمد حاصل از فروش (Sales) به‌عنوان خروجی و پنج متغیر دیگر، شامل خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (PPE)، خالص اجاره عملیاتی (OpsLease)، دارایی‌های نامشهود (Intan)، بهای تمام‌شده کالای فروش رفته (COGS) و هزینه‌های عمومی، اداری و فروش (SG&A)، به‌عنوان ورودی‌های مدل تحلیل پوششی داده‌ها، استفاده شده‌اند. مدل (۱) برای هر صنعت به‌طور جداگانه اجرا می‌گردد تا کارایی شرکت‌ها به دست آید.

$$\max \theta = (\text{Sales})_i \cdot (v_1 \text{COGS} + v_2 \text{SG \& A} + v_3 \text{PPE} + v_4 \text{OpsLease} + v_5 \text{Intan})^{-1} \quad (1)$$

مقدار کارایی محاسبه‌شده توسط این مدل عددی بین صفر و یک است. حداکثر کارایی شرکت برابر با یک بوده و هرچه مقدار به‌دست آمده کمتر باشد، کارایی آن شرکت در صنعت کمتر است. میزان کارایی هر شرکت در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار MAX DEA مورد محاسبه قرار گرفته است.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) بر این باورند که رقم کارایی محاسبه‌شده در بالا، دربرگیرنده دو جزء ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت است؛ بنابراین، در گام دوم، برای کنترل تأثیر ویژگی‌های ذاتی شرکت، اقدام به اجرای یک مدل رگرسیون نمودند که شش ویژگی خاص شرکت، شامل اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، میزان در دسترس بودن وجه نقد در شرکت، عمر بورسی شرکت، پیچیدگی عملیاتی شرکت و عملیات خارجی شرکت را از رقم کارایی کل شرکت تفکیک نموده و در نهایت مقدار باقیمانده این مدل منعکس‌کننده توانایی مدیریت خواهد بود.

$$\begin{aligned} \text{FirmEfficiency}_i = & \alpha + (\beta_1 \ln(\text{TotalAssets})_i \\ & + \beta_2 \text{MarketShare}_i + \beta_3 \text{FreeCashFlowIndicator}_i \\ & + \beta_4 \ln(\text{Age})_i + \beta_5 \text{BusinessSegmentConcentration}_i \\ & + \beta_6 \text{ForeignCurrencyIndicator}_i + \text{Year}_i + \varepsilon_i \end{aligned} \quad (2)$$

در رابطه بالا:

Firm Efficiency: نشان‌دهنده کارایی شرکت است که از طریق الگوی تحلیل پوششی داده‌ها در گام نخست به دست می‌آید.

Ln (Total Assets): نشان‌دهنده لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت است.

Market Share: نشان‌دهنده سهم بازار هر یک از شرکت‌هاست که برابر است با مقدار فروش شرکت در پایان دوره t به جمع کل فروش صنعت در پایان دوره t .

Free Cash Flow Indicator: شاخص جریان نقدی آزاد که برابر با میزان وجه نقد در دسترس به جمع دارایی‌های دوره است.

Ln (Age): نشان‌دهنده لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های حضور شرکت در بورس اوراق بهادار است.

Business segment Concentration: نشان‌دهنده پیچیدگی عملیاتی شرکت است که در صورت ارائه صورت‌های مالی تلفیقی توسط شرکت عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

Foreign Currency Indicator: نمایانگر عملیات خارجی شرکت است؛ که در صورتی که شرکت صادرات داشته باشد برابر یک و در غیر این صورت صفر است.

نمره توانایی مدیریت مستخرج از این مدل منعکس‌کننده توانایی مدیران در تبدیل منابع شرکت به درآمد است. این پژوهش از نمره سال قبل توانایی مدیریت استفاده می‌کند چرا که هنگام تنظیم قرارداد حسابرسی، اطلاعات کامل مربوط به مدیریت سال جاری در دسترس نبوده و قرارداد حسابرسی تحت تأثیر توانایی مدیریت سال قبل قرار خواهد گرفت.

متغیرهای وابسته

حق‌الزحمه حسابرسی: برابر است با لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی (رقم مربوط به حق‌الزحمه حسابرسی برابر با میزان هزینه حسابرسی افشاشده در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی است).

وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی شرکت: این متغیر، یک متغیر مجازی است که در صورت وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی یک و در غیر این صورت صفر است. بند تداوم فعالیت در تمامی حالات (۱) تأکید بر مطلب خاص، (۲) اظهار نظر مشروط و (۳) عدم اظهار نظر تعریف شده است.

متغیرهای کنترلی

مطابق تحقیق کریشان و وانگ (۲۰۱۵) تأثیر سایر عوامل مؤثر بر ریسک حساسی در قالب متغیرهای کنترلی وارد مدل پژوهش شده‌اند. با این وجود، به منظور افزایش درجه آزادی مدل و کاهش هم خطی احتمالی بین متغیرهای مستقل، با استفاده از روش رگرسیون گام به گام، تنها آن دسته از متغیرهای کنترلی که به شکل معناداری در رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته قرار داشتند، در مدل نهایی آزمون فرضیه‌ها بکار گرفته شده‌اند. از جمله متغیرهای کنترلی حذف شده در این مرحله می‌توان به اندازه، تخصص و دوره تصدی حسابرس، تاخیر گزارش حسابرسی، حسابرسی نخستین، ارزش بازار به ارزش دفتری و همچنین، اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت اقلام تعهدی اشاره نمود.

تعریف عملیاتی متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش از جمله متغیرهای کنترلی در قالب نگاره (۱) ارائه شده است.

نگاره (۱): تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	تعریف
حق الزحمه حساسی	LNAUD	لگاریتم طبیعی هزینه حساسی
اظهار نظر حساسی	GC	در صورت وجود بند تداوم فعالیت در گزارش حساسی برابر یک و در غیر این صورت صفر
توانایی مدیریت	MA _{t-1}	نمره توانایی مدیریت سال قبل محاسبه شده توسط مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)
اندازه	LNTA	لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها
بازده دارایی‌ها	ROA	نسبت سود خالص به جمع دارایی‌ها
سن شرکت	AGE	لگاریتم طبیعی سال‌های حضور شرکت در بورس
تأمین مالی جدید	NEWFIN	در صورت هر نوع تأمین مالی جدید از محل سرمایه یا تسهیلات بلندمدت در طول دوره مالی برابر یک و در غیر این صورت صفر
اهرم مالی	LEV	نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها
گزارش زیان در دوره مالی قبل	PLOSS	در صورت گزارش زیان در دوره مالی قبل برابر یک و در غیر این صورت صفر

متغیر	نماد	تعریف
ریسک ورشکستگی	Bankruptcy	نمره ریسک ورشکستگی محاسبه شده بر اساس جایگذاری نسبت‌های مالی مربوط در مدل اعتمادی و همکاران (۲۰۰۹)
سرمایه گذاری	INVEST	جمع کل سرمایه گذاری‌های به مجموع دارایی‌ها

شیوه آزمون فرضیه‌ها

به منظور بررسی چگونگی ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی و توانایی مدیریت مدل رگرسیونی (۳) اجرا خواهد شد:

$$\text{LNAUD}_t = \alpha + \beta_1 \text{MA}_{t-1} + \beta_2 \text{LNTA}_t + \beta_3 \text{ROA}_t + \beta_4 \text{AGE}_t + \beta_5 \text{NEWFIN}_t \quad (3)$$

همچنین در راستای آزمون ارتباط بین توانایی مدیریت و وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در اظهار نظر حسابرسی، مدل (۴) اجرا می‌گردد:

$$\text{GC}_t = \alpha + \beta_1 \text{MA}_{t-1} + \beta_2 \text{LEV}_t + \beta_3 \text{PLOSS}_t + \beta_4 \text{Bankruptcy}_{t-1} + \beta_5 \text{INVEST}_t + \beta_6 \text{AGE}_t \quad (4)$$

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ است.

جهت تعیین نمونه مورد مطالعه در این تحقیق، محدودیت‌های زیر اعمال شده است:

۱. جزء شرکت‌های هلدینگ، سرمایه گذاری مالی، واسطه گری مالی، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و سایر نهادهای پولی نباشد.
۲. پایان سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند باشد.
۳. در طی دوره این پژوهش سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
۴. در طی دوره پژوهش توقف عملیاتی بیشتر از شش ماه نداشته باشد.
۵. صورت‌های مالی و گزارش‌های حسابرسی آن‌ها در بازه زمانی پژوهش منتشر شده باشد.
۶. اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش، در دسترس باشد.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق، نمونه نهایی شامل ۹۴ شرکت (۱،۰۳۴) مشاهده شرکت-سال) در بازه زمانی ۱۱ ساله مورد مطالعه این پژوهش است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی مربوط به نمونه مورد مطالعه این پژوهش در قالب نگاره (۲) ارائه شده است. تعداد نمونه مورد بررسی شامل ۹۴ شرکت است. همان‌طور که مشخص است متوسط نمره توانایی مدیریت نمونه مورد مطالعه برابر ۰/۰۰۳ است. به علاوه، نمره توانایی مدیریت حدود ۵۰ درصد مشاهدات منفی بوده که این مسئله نشان‌دهنده تأثیر منفی مدیران ۵۰ درصد مشاهدات بر کارایی کل شرکت است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدود ۴ درصد مشاهدات، دارای بند ابهام در خصوص تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی خود بوده‌اند. همچنین، حدود ۱۰ درصد مشاهدات در دوره مالی قبل زیان گزارش نموده‌اند.

نگاره (۲): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر / شاخص	میانگین	انحراف معیار	میان	حداقل	حداکثر
حق الزحمه	۱۹/۶۸۱	۰/۹۳۶	۱۹/۵۳۹	۱۶/۷۰۳	۲۴/۵۳۵
توانایی مدیریت	۰/۰۰۳	۰/۱۶۸	-۰/۰۰۱	-۰/۷۷۳	۰/۵۵۲
اندازه	۱۲/۸۰۶	۱/۳۱۲	۱۲/۷۲۲	۹/۶۷۵	۱۸/۱۱۶
بازده دارایی‌ها	۰/۱۱۱	۰/۱۴۰	۰/۰۹۶	-۰/۴۸۶	۰/۶۳۱
سن	۲/۳۶۳	۰/۸۲۳	۲/۵۰۵	۰/۰۰۰	۳/۸۲۳
اهرم مالی	۰/۶۷۲	۰/۲۸۲	۰/۶۶۰	۰/۰۰۰	۳/۷۶۰
ریسک ورشکستگی	-۰/۶۹۰	۱/۷۵۵	-۲/۰۰۰	-۲/۰۰۰	۲/۰۰۰
سرمایه گذاری	۰/۰۸۸	۰/۱۱۷	۰/۰۳۸	۰/۰۰۰	۰/۵۷۴

آزمون فرضیه اول

نتایج حاصل از اجرای مدل رگرسیونی (۳) در نگاره (۳) ارائه شده است. با توجه به معنی داری آماره F می‌توان گفت که مدل رگرسیونی اجرا شده معتبر است. به علاوه، با توجه به مقدار آماره دورین — واتسون (۱/۷۲) می‌توان نتیجه گرفت که بین خطاها همبستگی وجود

ندارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که $۷۲/۸$ درصد تغییرات متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیر مستقل توضیح داده شود.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، ضریب توانایی مدیریت، منفی و در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است؛ به این معنی که فرضیه وجود ارتباط معکوس بین توانایی مدیریت و میزان حق‌الزحمه خدمات حسابرسی مورد قبول واقع شده و با افزایش توانایی مدیران، میزان حق‌الزحمه دریافتی بابت ارائه خدمات حسابرسی کاهش می‌یابد. به علاوه، کلیه متغیرهای کنترلی دارای تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته این پژوهش هستند؛ به عبارت دیگر، بین حق‌الزحمه حسابرسی و متغیرهای اندازه و سن شرکت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین ارتباط بازده دارایی‌ها و تأمین مالی جدید با حق‌الزحمه حسابرسی، معکوس و معنی‌دار است.

نگاره (۳): نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	ضریب	آماره t	معنی‌داری
عرض از مبدأ	۱۴/۱۴۷	۱۶/۷۸۸	۰/۰۰۰
توانایی مدیریت	-۰/۳۳۱	-۲/۰۷۹	۰/۰۳۸
اندازه	۰/۴۱۱	۶/۱۵۰	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	-۰/۲۳۴	-۱/۹۶۷	۰/۰۴۹
سن	۰/۱۴۰	۶/۷۸۳	۰/۰۰۰
تأمین مالی جدید	-۰/۰۷۳	-۳/۰۲۴	۰/۰۰۳
ضریب تعیین	۰/۷۶۱	آماره F	۲۲/۸۳۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۲۸	معنی‌داری	۰/۰۰۰
آماره دوربین-واتسون	۱/۷۲۰		

آزمون فرضیه دوم

نتایج حاصل از اجرای مدل (۴) در قالب نگاره (۴) قابل مشاهده است. همان‌طور که انتظار می‌رفت، ضریب توانایی مدیریت منفی و در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است؛ بدین معنی که با افزایش توانمندی مدیران، احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی کاهش می‌یابد. همچنین، نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین متغیرهای اهرم مالی، گزارش زیان در دوره مالی قبل، ریسک و شکستگی و سن شرکت و متغیر وابسته این فرضیه است؛ این نتایج نشان می‌دهد که با افزایش ریسک تجاری که شرکت

با آن مواجه است، احتمال دریافت اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده با بند ابهام در تداوم فعالیت افزایش می‌یابد.

تکانه (۴): نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب	آماره t	معنی داری
عرض از مبدأ	-۸/۱۳۱	-۷/۳۷۳	۰/۰۰۰
توانایی مدیریت	-۳/۸۵۳	-۳/۲۶۹	۰/۰۰۱
اهرم مالی	۲/۷۰۴	۴/۳۱۴	۰/۰۰۰
گزارش زیان در دوره مالی قبل	۱/۷۲۴	۴/۴۵۶	۰/۰۰۰
ریسک ورشکستگی	۰/۲۰۷	۲/۶۶۴	۰/۰۰۷
سرمایه گذاری	۲/۷۵۰	۱/۶۶۷	۰/۰۹۶
سن	۰/۸۴۹	۱/۸۸۳	۰/۰۰۶
ضریب تعیین	۰/۲۹۳	آماره LR	۹۷/۵۹۳
		معنی داری	۰/۰۰۰

نتیجه گیری

این پژوهش به بررسی چگونگی تأثیر گذاری میزان توانمندی مدیران بر ریسک حسابرسی پرداخت. مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که با افزایش ریسک ارائه خدمات حسابرسی، میزان حق الزحمه درخواستی توسط حسابرس، به منظور پوشش این خطر، افزایش یافته و حسابرس با احتمال بیشتری در نوع اظهارنظر خود نسبت به صورت‌های مالی محافظه کارانه‌تر عمل می‌کند؛ بنابراین دو متغیر حق الزحمه حسابرسی و وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی به عنوان متغیرهای وابسته این پژوهش در نظر گرفته شدند. به علاوه، مدیریت واحد تجاری از طریق تأثیر گذاری بر سیاست‌های کلی و تصمیم‌گیری‌های کلان، بر عملکرد شرکت تأثیر خواهد گذاشت و در صورت عملکرد ضعیف مدیران، عملکرد کلی شرکت نیز تحت تأثیر قرار گرفته و ممکن است تداوم فعالیت آن با ابهام مواجه شده و از این جهت با ریسک حسابرسی ارتباط داشته باشد. این پژوهش به منظور سنجش توانایی مدیریت از مقیاس معرفی شده توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده کرده است که به کمی کردن توانایی مدیریت در تبدیل منابع به درآمد، با استفاده از ارقام حسابداری می‌پردازد.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که با افزایش توانمندی مدیران، میزان حق‌الزحمه خدمات حسابرسی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که مدیران توانمندتر با تأثیرگذاری بر ریسک شرکت، می‌توانند میزان ریسک حسابرسی را کاهش داده و همچنین با افزایش توانایی‌هایی مانند قدرت چانه‌زنی، قادر خواهد بود تا حق‌الزحمه کمتری را بابت خدمات حسابرسی پرداخت کند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ‌تر و قدیمی‌تر، حق‌الزحمه بالاتری را بابت خدمات حسابرسی پرداخت کرده‌اند. به علاوه، با افزایش بازده دارایی‌ها به عنوان معیاری از عملکرد بهتر شرکت، حق‌الزحمه حسابرسی نیز کاهش می‌یابد؛ اما برخلاف انتظار، متغیر تأمین مالی جدید با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معکوس دارد؛ به این معنی که با افزایش تأمین مالی، حق‌الزحمه حسابرسی کاهش می‌یابد که این مسئله با نتایج پژوهش کریشنان و وانگ (۲۰۱۵) در تضاد است.

از سوی دیگر، افزایش توانایی مدیران موجب کاهش احتمال تعدیل اظهارنظر حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری می‌گردد. این مسئله نیز با توجه به تأثیرگذاری مدیران بر ریسک عملیاتی شرکت قابل توجه است. به علاوه، نتایج نشان داد که افزایش نسبت اهرم مالی، گزارش زیان در دوره مالی قبل و افزایش ریسک ورشکستگی، به عنوان نشانه‌هایی از عملکرد پر ریسک شرکت، احتمال اظهارنظر حسابرسی در خصوص ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری افزایش می‌دهد؛ اما علی‌رغم آنچه انتظار می‌رفت، بین متغیر سرمایه‌گذاری و دریافت بند ابهام در تداوم فعالیت در اظهارنظر حسابرسی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به این معنی که با افزایش میزان سرمایه‌گذاری، احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی افزایش می‌یابد که این مسئله نیز با پژوهش کریشنان و وانگ (۲۰۱۵) مطابقت ندارد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که نتایج حاصل از این پژوهش از دو جنبه حائز اهمیت است: نخست اینکه نتایج این مطالعه شواهدی را مبنی بر اهمیت توانایی و ویژگی‌های خاص مدیریت در تصمیم‌گیری‌های حسابرسان فراهم می‌آورد. دوم اینکه، شواهد این پژوهش نشان می‌دهد که نمره توانایی مدیریت مستخرج از مدل دومرحله‌ای ارائه‌شده توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) در سنجش میزان توانایی مدیریت سودمند بوده و می‌تواند در پژوهش‌های آتی نیز از آن بهره برد. نتایج این پژوهش همچنین می‌تواند برای حسابرسان در پذیرش مسئولیت

حسابرسی واحدهای تجاری و تعیین حق الزحمه این خدمات سودمند باشد. به علاوه سرمایه گذاران می توانند از نمره توانایی مدیران به عنوان یکی از شاخص های ارزیابی ریسک عملیاتی واحد تجاری بهره ببرند.

یکی از محدودیت های پیش روی این تحقیق، حق الزحمه حسابرسی است. این رقم تحت عنوان هزینه های حسابرسی در یادداشت های همراه صورت های مالی برخی از شرکت ها افشا نشده است که این مسئله موجب کاهش تعداد شرکت های نمونه فر ضیه اول پژوهش گردید. ضمن اینکه رقم افشاشده شامل کلیه مخارج مرتبط با حسابرس بوده و ممکن است در اثر مخدوش شدن با هزینه هایی مانند ایاب و ذهاب، نتواند منعکس کننده تلاش واقعی صرف شده توسط حسابرسی باشد. همچنین، با توجه به عدم افشای برخی از اطلاعات مانند هزینه های تحقیق و توسعه برای بسیاری از شرکت های نمونه، این متغیرها در محاسبه کارایی شرکت نادیده گرفته شده اند؛ بنابراین ممکن است نمره توانایی مدیریت محاسبه شده با خطای اندازه گیری همراه باشد.

در حالی که تحقیق حاضر به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر ریسک حسابرسی پرداخته است، مبانی نظری بیان شده نشان داد که توانایی مدیریت با تأثیر گذاری بر عملیات و همچنین محیط اطلاعاتی شرکت می تواند نقش با اهمیتی در موفقیت یک شرکت ایفا کند. به منظور ارائه شواهد تجربی در این خصوص پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی تأثیر توانایی مدیریت بر سایر شاخص های کیفیت محیط اطلاعاتی شامل خصوصیات کیفی سود مطالعه شود. همچنین، مطالعه ارتباط بین توانایی مدیریت دیگر انواع اظهار نظر حسابرس، می تواند به ارزیابی اعتبار یافته های تحقیق حاضر کمک کند.

منابع

- Alavi, H., Robati, M. & yousefiasl, F. (2012). Agency problem and audit pricing based on free cash flows theory. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 19 (2): 97-122. (In Persian)
- Andreou, P., Ehrlich, D., & Louca, C. (2016). The Impact of Managerial Ability on Crisis Period Corporate Investment. *Working paper. papers.ssrn.com/?abstract_id=2633216*.
- Baik, B., D. Farber, & S. Lee. (2011). CEO ability and management earnings forecasts. *contemporary accounting research*, 28 (5): 1645-1668.

- Bamber, L., J. Jiang, & I. Wang. (2010). What's my style? The influence of top managers and their personal backgrounds on voluntary corporate financial disclosure. *The Accounting Review*, 85 (4): 1131-1162.
- Banimahd, B. (2011). Investigating the effective factors on qualified audit opinions. *Quarterly Journal of Securities Exchanges*, 13: 59-83. (In Persian)
- Bell, T., R. Doogar, & I. Solomon. (2008). Audit labor usage and fees under business risk auditing. *Journal of accounting Research*, 46 (4): 729-760.
- Bertland, M., & Schoar, A. (2003). Managing with style: the effect of managers on firm policies. *The Quarterly Journal of Economics* 118 (4): 1169-1208.
- Bozorgasl, M. & Salehzadeh, B. (2015). The relation between managerial ability and profits Sustainability with emphasis on accruals and cash flows in TSE. *Audit Science*, 58. 153-170. (In Persian)
- Carmeli, A., & A. Tishler. (2004). Resources, capabilities, and performance of industrial firms: A multivariate analysis. *Managerial Decision Economics*, 25 (x): 299-315.
- Carson, E., Fargher, N., geiger, M., Lennox, C., & Raghunandan, K. (2013). Audit reporting for going-concern uncertainty: A research synthesis. *A Journal of Practice & Theory*, 32 (August): 353-384.
- Chemmanur, T., & I. Paeglis. (2005). Management quality, certification, and initial public offerings. *Journal of Financial Economics*, 76 (2): 331-368.
- COSO. (2013). *Internal Control – Integrated Framework: Executive summary*. www.coso.org.
- Demerjian, P., B. Lev, & S. McVay. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management science*, 58 (7): 1229-1248.
- Demerjian, P., Lewis, M., & McVay, S. (2013). Managerial ability and earnings quality. *The accounting Review*, 88 (2): 463-498.
- Dyreg. S., M. Hanlon, & E. Maydew. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 85 (4): 1163-1189.
- Etemadi, H., Anvary Rostami. A. A. & Farajzadeh Dehkordi. H. (2009). A genetic programming model for bankruptcy prediction: Empirical evidence from Iran. *Expert Systems with Applications*.
- Francis, J. R., Krishnan, & J. (1999). Accounting accruals and auditor reporting conservatism. *Contemporary Accounting Research*, 16 (1): 135-165.
- Ge, W., D. Matsumoto, & J. Zhang. (2011). Do CFOs have styles of their own? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on

- financial reporting practices. *Contemporary Accounting Research*, 28 (4): 1141-1179.
- Geiger Marshal A., K. Raghunandan, & Dasaratha V. Rama. (2005). Recent changes in the association between bankruptcies and prior audit opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 24 (1): 21-35.
- Gerakos, J., Hahn, P. R., Kovrijnykh, A., & Zhou, F. (2015). The effect of going concern opinions: Prediction versus inducement. *Working paper. papers.ssrn.com*.
- Hambrick, D., & P. Mason. (1948). upper echelons: The organization as a reflection of its top managers. *The Academy of Management Review*, 9 (April): 193-206.
- Hannan, M., & J. Freeman. (1977). The population ecology of organizations. *American Journal of Sociology*, 82 (5): 929-964.
- Hay, D. C., Knechel, W. R., & Wong, N. (2006). Audit fees: A meta-analysis of the effect of supply and demand attributes. *Contemporary Accounting Research*, 23: 141-191.
- Hnifeh, M. & Mahmoodi, S. (2009). Audit risk and its components. *The Auditor Journal*, 47. 54-59. (In Persian)
- Jafari, A., Jafari, H., Rasaeian, A. & Poorhosseini, R. (2013). The relation between agency cost variables and audit fees. *Audit Science*, 12 (48). 135-146. (In Persian)
- Jameei, R., Halashi, M. & Hajieidi, A. (2013). The effects of managerial performance on audit opinions in TSEs. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 19 (4). 1-14. (In Persian)
- Johnson, E, J. Kuhn, B. Apostolou, & J. Hassel. (2013). Auditor perceptions of client narcissism as a fraud attitude risk factor. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 32: 203-209.
- Johnstone, K. (2000). Client-acceptance decisions: Simultaneous effects of client business risk, audit risk, auditor business risk, and risk adoption. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 19 (1): 1-25.
- Khodadadi, V., Ghorbani, R. & Khansari, N. (2014). The effects of ownership structures on audit fees. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21 (1). 57-72. (In Persian)
- Krishnan, G., & Wang, C. (2015). The relation between managerial ability and audit fees and going concern opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, August, Vol. 34, No. 3, pp. 139-160.
- Krishnan, G., Pevzner, M. & Sengupta, P. (2012). How do auditors view managers' voluntary disclosure strategy? The effect of earnings guidance on audit fees. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31 (5): 492-515.
- Mackey, A. (2008). The effect of CEOs on firm performance. *Strategic Management Journal* 29 (12): 1357-1367.

- Mansourfar, GH., Didar, H. & Hosseinpoor, V. (2015). The effects of managerial ability on earnings quality of TSEs. *Financial Accounting Researches*, 23. 37-54. (In Persian)
- Momtazian, A. & Kazemnejad, M. (2016). The relation between managerial ability and performance criteria by DEA. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 5 (20). 65-88. (In Persian)
- Moradi, M., Osulian, M. & Morouzi, M. (2014). The relation between revenue management and going concern opinions. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21 (3). 313-328. (In Persian)
- Mousavi, A. & Daroughehazrati, F. (2012). The assessment of audit fees and free cash flows. *Management Journal*, 9. 53-65. (In Persian)
- Nikbakht, M. & Tanani, M. (2010). Examination of Factors Affecting Financial Audit Fees. *Financial Accounting Researches*, 2 (2). 111-132. (In Persian)
- Piri, P., Didar, H. & khodayaryegane, S. (2012). The relation between managerial ability and audit reporting quality during TSEs life cycles. *Financial Accounting Researches*, 21. 99-118. (In Persian)
- Pratt, J., & Stice, J. D. (1994). The effect of client characteristics on auditor litigation risk adjustments, required audit evidence, and recommended audit fees. *The Accounting Review*, 69: 639-656.
- Silva, A. (2010). Managerial ability and capital flows. *Journal of Development Economy* 93 (1): 126-136.
- Simonic, D. (1980). The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of Accounting Research*, 18: 161-190.
- Simonic, D., & M. T. Stein. (1996). Impact of litigation risk on audit pricing: A review of the economics and the evidence. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 15 Supplement: 119-134.
- Wasserman, N., Nohira, N., Anand, B. (2010). When does leadership matter? A contingent opportunities view of CEO leadership: Handbook of leadership theory and practice, *Harvard Business Publishing*, Cambridge, MA.